

# مددکاران ترویج و توسعه روستائی



## چکیده:

انسان اولین و آخرین طراح و عامل تغییر و تحول و مهمترین سرمایه در فرآیند توسعه و عمران است. انسان خود عامل تحقق توسعه و خود مولود و محصول آن و بهره‌بردار از آن محصول است. انسان طراح، عامل و سرمایه‌ای بدون بدیل برای توسعه است بنابراین می‌توان گفت توسعه مستلزم انسان و انسان مستلزم توسعه است پس اقدام برای توسعه در غیاب انسانهای انسان‌ساز آرمانی واهی و تلاش بیهوده و بی‌ارزش می‌باشد.

کار توسعه آنهم توسعه روستائی چیزی جز تربیت انسان کارآمد نیست و ترویج نیز بعنوان بازوی توسعه و عمران روستائی نقش مهمی را در پرورش انسانهای انسان‌ساز از جمله مددکاران ترویج به عهده دارد.

مددکاران ترویج یار و یاور ترویج بوده که با ارائه اطلاعات و نوآوریهای سودمند به کشاورزان نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستائی به عهده دارند. آنها یکی از اجزای ضروری برنامه‌های توسعه می‌باشند که بدون آنها برنامه‌های توسعه با شکست مواجه خواهد شد. بر این اساس و با توجه به اهمیت نقش مددکاران ترویج در رسیدن به توسعه روستائی هدف کلی این مقاله نیز بررسی اهمیت نقش مددکاران ترویج در رسیدن به رشد و توسعه روستائی می‌باشد.

## مقدمه:

مددکاران ترویج بعنوان مقدم‌ترین عنصر تشکیلات ترویج می‌باشند. آنان یار و یاور ترویج بوده که با ارائه اطلاعات و نوآوریهای سودمند به کشاورزان نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستائی و کاهش بحرانها به عهده دارند.

● ژيلا مشفق و مژگان جمشیدی  
کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی  
دانشگاه شیراز

یکی از اصول اساسی در ترویج و آموزش کشاورزی اصل رهبری می‌باشد طبق این اصل توسعه روستاها می‌باید بر پایه نهضتی خودیارانه استوار باشد. نهضتی که در آن روستائیان خود مسئول انجام کارهای خودشان باشند. طبق این اصل طرح‌ها می‌باید طرح روستائیان باشد و بدست خود آنها به مرحله اجرا درآید تا زمینه رسیدن به توسعه فراهم شود. همچنین طبق این اصل مددکاران نقش حافظین افکار و اعمال مردم روستائی را ایفاء می‌نمایند و از جمله مناسبترین افرادی هستند که می‌توانند مورد تعلیم قرار گیرند تا به عنوان مبلغین و مفسرین ایده‌های نوین در روستا به فعالیت بپردازند. طبق این اصل همچنین یک مروج در صورتی می‌تواند در یک ده سنتی نقش یک دوست و آموزشگر را برای روستائیان ایفا نماید که بتواند از طریق مددکاران ترویج به فعالیت



بپردازد و همزمان با آنان سعی کند تا از راه تشویق و یاری دادن به مردم موجبات پرورش مددکاران جدید را فراهم آورد زیرا ارزش کار یک مروج در آن نیست که خود فعالیتی را بتواند انجام دهد، بلکه در آن است که چه کاری را می‌تواند بدست دیگران انجام دهد (گراول و تامپر، ۱۳۶۷).

### شناخت مددکاران ترویج:

مددکاران ترویج کشاورزی یار و یاورانی هستند که نوآوریهای سودمند را به بهترین وجه بین مولدین منطقه خود نشر و انتقال می‌دهند (نژادنیک و امینی، ۱۳۷۴). مددکاران ترویج در ادبیات بین‌المللی ترویج از آنها در قالب اصطلاحاتی چون Extension assistant, paraprofessional, local extension worker, local leadership, village extension worker, agricultural leadership یاد می‌شود و بعنوان رابط بین مردم و کارشناسان ترویج می‌باشند. همچنین در بسیاری از کشورهای جهان از مددکاران بعنوان کشاورزان تماسی یاد میشود که در کشورهای مختلف با نامهای مختلف خوانده می‌شوند. به طوریکه می‌توان گفت در آفریقای مرکزی به آنان کشاورزان ماهر (master farmer) می‌گویند. در ماداگاسکار به کشاورزان راهنما (pilot farmer) معروفند و در جمهوری کره و ساحل عاج به اینها کشاورزان رهبر (leader farmer) گفته می‌شود. در جمهوری دموکراتیک یمن به کشاورزان هدف (farmer target) و در دیگر کشورها به کشاورزان رابط (contact farmer) معروفند.

کشاورزان رابط یا همان مددکاران ترویج می‌توانند در تشکیل گردهمآئینها و یافتن مخاطبین آموزشی در برنامه‌های مختلف آموزشی به مروجین کمک کنند و در انتقال توصیه‌های مروجین به بقیه کشاورزان و یا نمایش موارد موردنظر در مزارع خودشان نقش مهمی را دارند (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۹).

شهبازی از مروجان محلی، مددکاران ترویج، نیروهای معین روستائی، برگزارکنندگان نمایشهای نتیجه‌ای بعنوان همان رهبران محلی یاد می‌کند و بیان می‌کند رهبران فنی محلی به جهت نقشی که در اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی دارا می‌باشند همواره بعنوان یکی از ارکان فعال ترویج در نظام تشکیلاتی می‌باشند. او همچنین رهبران فنی محلی را مردمانی می‌داند که اغلب در محدوده فرهنگ مردم روستائی عمل می‌کنند (پدیده‌هایی که هر از چند گاهی نیاز به تغییر و تبدیل دارند تا وضعیت مطلوبی را پدید آورند) و گاه گاهی پدیده جدیدی در جامعه عرضه می‌دارند یا مردم را در حل مشکلات فنی و حرفه‌ای یاری می‌دهند.

شهبازی همچنین مددکاران ترویج را افرادی می‌داند که بعزت داشتن دانش، تجربه و مهارتهای فنی در یک رشته بخصوص در جامعه بعنوان ماهر آن جامعه شناخته شده‌اند و به علت تبحر و آفری که به یک رشته بخصوص از امور کشاورزی دارند و یا به علت تماسهای مداوم‌اشان با کارشناسان امور مربوطه خیره شده‌اند و نقش مهمی را در ارائه اطلاعات به مردم روستائی به‌عهده دارند (شهبازی، ۱۳۷۴).

### رهبران محلی یار و مددکار ترویج

رهبران محلی کسانی هستند که از لحاظ روحی و روانی تواناییهای لازم برای تأثیرگذاری بر دیگران جهت حل مشکلاتشان و رسیدن به اهدافشان را به‌عهده دارند پیتز سینگ<sup>۱</sup> رهبران را "مردان قهرمان و بزرگ می‌داند" که در زمانهای بحرانی فعالیتهای جهت هدایت مردم افزایش می‌یابد (Sandman and Vandenberg, 1995). در حال حاضر چون ایجاد تغییرات در جوامع جهت رسیدن به توسعه کاری است صعب و مشکل و در بسیاری از مواقع مخاطرات اجتماعی مانع ایجاد تغییرات و رسیدن به توسعه روستائی می‌شوند به نظر می‌رسد استفاده از رهبران محلی بعنوان عاملان تغییر و توسعه لازم و ضروری باشد (Hughes, 1998). زیرا آنها با کمک به متخصصان و کارشناسان ترویج از طریق نشر اطلاعات و ارائه آموزشهای غیررسمی و انتقال تکنولوژی به کشاورزان خردپا و فقرای روستائی که در حال زندگی کردن در مناطق روستائی و دور از شهر هستند می‌توانند بعنوان یار و مددکار ترویج عمل کنند و از طریق افزایش تولیدات کشاورزی، کاهش فقر و افزایش امنیت غذایی زمینه رسیدن به یکی از اهداف اساسی ترویج را فراهم کنند (Ministry of Agricultural of India, 2003).

در جهان امروزی رهبران خوب برای بهبود وضعیت زندگی مردم یک نیاز اساسی و ضروری می‌باشند زیرا ایجاد هرگونه تغییری نیاز به رهبر دارد، از این نظر نیاز برای داشتن رهبر موثر در سطوح محلی جهت رسیدن به توسعه بیش از پیش درک می‌شود (Warner, 2001).

رهبران با استفاده از قدرت شخصی خود سعی در نفوذ در دیگران و تأثیرگذاری بر آنها دارند این نفوذ و تأثیر بر دیگران به طور غیررسمی بوده به طوریکه این افراد در پشت صحنه عمل می‌کنند. بر این اساس ترویج نیز باید سعی کند تا رهبران را شناسائی کند و به آنها که از تواناییهای لازم برخوردار هستند کمک کند تا به رهبران جامعه تبدیل شوند و با استفاده از مهارتهای آنها بتواند وضعیت جامعه را بهبود بخشد. ترویج همچنین باید سعی کند با واگذاری بخشی از کارها به رهبران زمینه ایجاد تغییر و تسریع در ایجاد تغییرات را جهت رسیدن به اهداف خود فراهم آورد (بلیکین، ۱۳۸۰).

مروجان نیز به عنوان عاملان تغییر، جهت رسیدن به توسعه روستائی وظیفه دارند که در آغاز کار خود درصد شناسائی و ایجاد ارتباط حسنه با این قبیل منتقدین محلی برآیند و امور برنامه خود را با اطلاع از نظریات و آرای آنان پی‌ریزی نمایند. زیرا مروجان یا مجریان برنامه‌های تحولاتی به هنگام شروع کار برای مردم روستائی، مقدماً افرادی ناشناخته هستند، و لذا ضرورت دارد که افکار و برنامه‌های نوآورانه خود را با اطلاع و کسب توافق ضمنی رهبران محلی آغاز نمایند تا امکان مواجهه مخالفت‌های اولیه و نتیجتاً بروز مقاومت‌های جمعی از روستائیان را

**انسان طراح، عامل و سرمایه‌ای بدون بدیل برای توسعه است بنابراین می‌توان گفت توسعه مستلزم انسان و انسان مستلزم توسعه است پس اقدام برای توسعه در غیاب انسانهای انسان‌ساز آرمانی واهی و تلاش بیهوده و بی‌ارزش می‌باشد.**



**ترویج نیز باید سعی کند تا رهبران را شناسائی کند و به آنهایی که از تواناییهای لازم برخوردار هستند کمک کند تا به رهبران جامعه تبدیل شوند و با استفاده از مهارتهای آنها بتواند وضعیت جامعه را بهبود بخشد. ترویج همچنین باید سعی کند با واگذاری بخشی از کارها به رهبران زمینه ایجاد تغییر و تسریع در ایجاد تغییرات را جهت رسیدن به اهداف خود فراهم آورد.**



**ارزش کار یک مروج در آن نیست که خود فعالیتی را بتواند انجام دهد، بلکه در آن است که چه کاری را می‌تواند بدست دیگران انجام دهد.**

تخفیف دهند. دکتر فوزی محمد الحاج استاد کرسی ترویج در دانشکده علوم کشاورزی آمریکائی بیروت می گوید که تأیید رهبران در معرفی یک طرح، یا یک برنامه و یا اجرای یک فعالیت اجتماعی به مثابه تغییر رنگ چراغ راهنما از قرمز به سبز است. همانطور که عبور یک راننده از چراغ قرمز خطرناک است. شروع یک اقدام بدون جلب نظر و موافقت و تأیید رهبران محلی روستا نیز نامطلوب و از لحاظ حصول به نتایج مطلوب مخاطره انگیز است. جالب این است که در مسیر تحول و توسعه روستائی، چراغهای قرمز متعددی در مواقع، مواضع و موضوعات مختلف وجود دارند که باید صبر کرد تا پس از سبز شدن از آنها عبور کرد که این هم از اختصاصات جوامع روستائی خاصه در بین ملل جهان سوم است (شهبازی، ۱۳۷۴).

**وظائف مددکاران ترویج:**

هینتی از مأموران ترویجی نبراسکا<sup>۲</sup> ضمن تأکید بر اهمیت نقش مددکاران ترویج جهت رسیدن به توسعه به مقایسه وظایف مددکاران ترویج، آموزشگران و متخصصان بر اساس ویژگیهای تمیزدهنده آنها کرده است (Nebraska, 2003, Cooperative Extension of) که لیست کامل آنها در جدول شماره ۱ آمده است.

علاوه بر نقشهای ارائه شده توسط مأموران ترویجی نبراسکا، نژادبنیک و امینی در سال ۱۳۷۴ در صفحه ۱۲ از کتابچه خود لیستی از وظایف و نقشهای مددکاران ترویج را به صورت زیر بیان کرده اند:

- ۱- برقراری ارتباط مستمر بین عاملین ترویج و روستائیان حوزه عمل خود.
- ۲- مسأله یابی در حوزه عمل و ارائه آن به عاملین ترویج.
- ۳- حفظ ارتباط بین گروههای مختلف جامعه.
- ۴- تشویق روستائیان به مشارکت در انجام برنامه های ترویجی و آموزشی.
- ۵- شرکت در دوره های آموزشی و ترویجی و بازدیدهایی که از طرف ترویج اعلام می شود و انعکاس نتایج آن به عاملین ترویج، در حد امکان.
- ۶- تشکیل جلسات ترویجی برای مشارکت کشاورزان منطقه خود هر دو هفته یکبار.
- ۷- پی گیری اهداف و سیاستهای نوین ترویج کشاورزی.
- ۸- دریافت راه حل مشکلات از عاملین ترویج و انعکاس آن به کشاورزان و روستائیان منطقه.
- ۹- تشویق تولیدکنندگان برای ایجاد رقابت سالم به منظور تولید بیشتر.
- ۱۰- نظارت فنی و مستمر در زمینه استفاده صحیح از نهاده های کشاورزی در اراضی مولدین منطقه.
- ۱۱- بکارگیری تکنولوژی جدید در مزارع و باغات خود.
- ۱۲- معرفی مولدین کشاورزی صلاحیتدار جهت ارزشیابی به عاملیت ترویج.
- ۱۳- داوطلب اجرا و ایجاد مزارع نمایشی و طرحهای مشترک تحقیقاتی.
- ۱۴- ارائه تکنولوژی جدید و سودمند به فراگیران و روستائیان.

**نقش مددکاران ترویج در رشد و توسعه روستائی:**

انسان اولین و آخرین طراح و عامل تغییر و تحول و مهمترین سرمایه در فرآیند توسعه و عمران است. انسان خود

**جدول شماره ۱: وظایف مددکاران، آموزشگران و متخصصان ترویج.**

ویژگیهای تمیزدهنده اهداف برنامه	مددکاران ترویج	آموزشگران	متخصصان
آموزش محلی برنامه های تحقیقاتی به مردم که توسط متخصصان و آموزشگران گسترش یافته است.	آماده کردن برنامه ها در سطوح محلی، منطقه ای و ایالتی که بر اساس نیازهای اساسی جوانان و بزرگسالان باشد.	آماده کردن برنامه ها در سطح شهرستان، منطقه و ایالت و همچنین جمع آوری اطلاعات لازم از مددکاران ترویج به منظور تشخیص اولویتهای برنامه های آموزشی.	آماده کردن برنامه ها در سطح ملی، منطقه ای، ایالتی و جهانی و جمع آوری اطلاعات لازم از آموزشگران و مددکاران ترویج به منظور تشخیص اولویتهای آموزشی و ترویجی.
کار با متخصصان، آموزشگران و افراد محلی به منظور تشخیص اولویتهای برنامه و بر اساس نیازهای محلی، جمع آوری داده ها و اطلاعات لازم برای متخصصان.	کار در سطح شهرستان، منطقه و ایالت و همچنین جمع آوری اطلاعات لازم از مددکاران ترویج به منظور تشخیص اولویتهای برنامه های آموزشی.	کار در سطح شهرستان، منطقه و ایالت و همچنین جمع آوری اطلاعات لازم از مددکاران ترویج به منظور تشخیص اولویتهای برنامه های آموزشی.	کار در سطح ملی، منطقه ای، ایالتی و جهانی و جمع آوری اطلاعات لازم از آموزشگران و مددکاران ترویج به منظور تشخیص اولویتهای آموزشی و ترویجی.
ارائه دوره های آموزشی و توسعه منابع	آموزش موضوعات آموزشی تشخیص داده شده به وسیله متخصصان و آموزشگران به مردم محلی.	مشارکت در جهت گسترش منابع و دوره های آموزشی، ارائه آموزشهای محلی و منطقه ای. مشارکت در تیمهای توسعه دهنده برنامه های آموزشی و کار با متخصصان جهت تشخیص فرسشهای لازم جهت توسعه.	ایجاد و توسعه برنامه های آموزشی در سطح وسیع، برنامه های آموزشی را عملی می کنند، توسعه برنامه های آموزشی را تسهیل می کنند، اطلاعات لازم و آموزشهای لازم را برای آموزشگران و مددکاران ترویج آماده می کنند و فرسشهای لازم جهت رسیدن به توسعه را فراهم می کنند.
ارزشیابی	آماده کردن و جمع آوری اطلاعات لازم جهت ارزشیابی و به کار بردن استراتژی هایی که به وسیله متخصصان و آموزشگران گسترش یافته است.	کمک به متخصصان برای تشخیص میزان موفقیتها و نتایج مورد انتظارشان، استفاده از مددکاران برای تشخیص اثرات برنامه و جمع آوری اطلاعات لازم جهت تشخیص اثرات برنامه های اجرا شده.	ارزشیابی برنامه به منظور تشخیص اثرات برنامه، کار با آموزشگران برای سنجش اثرات برنامه و خلاصه کردن نتایج بدست آمده.
توافقات و حمایتهای لازم از برنامه	کمک به آموزشگران و متخصصان برای گسترش و حمایت از برنامه ها، جستجو حمایتی لازم از برنامه ها (زمانی که فرصتی ایجاد شود).	گسترش دادن و آموزش دادن برنامه های توافق شده، جستجو حمایتهای محلی و منطقه ای از برنامه، استفاده از منابع برای حمایت از برنامه و توافق برای انجام فعالیتهای صورت عملی و در رمنه های مناسب.	سمی در جلب توافق و حمایت دیگران از برنامه برای مشخص کردن اولویتهای برنامه های ترویج، توسعه و گسترش برنامه های آموزشی که بر روی آنها توافق شده است. کمک به آموزشگران و اعضای دیگر جامعه و استفاده از منابع برای حمایت از برنامه.
تعامل با دستاورد کاران	کمک به آموزشگران جهت کار با مردم محلی و همچنین گسترش و توسعه اولویتهای تشخیصی داده شده، مشارکت در اجرای تحقیقات کاربردی که به وسیله ناظران جهت دهی می شوند.	کمک به اجرای برنامه و تعامل با سیاستگذاران در سطح ایالت و شهرستان جهت اولویت دادن به برنامه های ترویجی.	تعامل با سازمانهای ملی، منطقه ای و سیاستگذاران برای تخصیص کردن اولویتهای ترویجی.
تحقیقات	مشارکت در اجرای تحقیقات کاربردی که به وسیله ناظران جهت دهی می شوند.	مشخص کردن آموزشهای پایه ریزی شده بر اساس تحقیقات، درگیر شدن در تحقیقات کاربردی و مناسب، هدایت تحقیقات و نمایش نتایج آنها، آماده کردن اطلاعات لازم برای متخصصان.	هدایت تحقیقات، تفسیر نتایج تحقیقات، ارزشیابی نتایج تحقیقات بر اساس اولویتهای مورد نیاز، جمع آوری اطلاعات از آموزشگران و مددکاران ترویج.
آموزش در موقعیتهای غیررسمی	آموزش برنامه های ترویجی که به وسیله ناظران جهت دهی می شود.	هدایت دوره های آموزشی در زمینه مسائل تخصصی و در سطح شهرستان	هدایت دوره های آموزشی متناسب با شرایط ایالت، حمایت آموزشگران در آموزش دادن به صورت منطقه ای یا به شکل دیگر، آماده کردن مددکاران برای گسترش برنامه های آموزشی، استفاده از اطلاعات بدست آمده بر اساس تحقیقات در سطح ایالت و مناطق
مسائل عمومی	کمک به آموزشگران جهت انسانی با آموزشهای محلی	آماده کردن برنامه های آموزشی در سطح ملی و منطقه ای با توجه به اولویتهای و پیامدهای برنامه ها.	آماده کردن مددکاران برای گسترش برنامه های آموزشی، استفاده از اطلاعات بدست آمده بر اساس تحقیقات در سطح ایالت و مناطق

منبع: (Cooperative Extension of Nebraska, 2003)



عامل تحقق سرمایه و خود مولود و محصول آن و بهره‌بردار از آن محصول است، انسان طراح، عامل و سرمایه‌ای بدون بدیل برای توسعه است بنابراین می‌توان گفت توسعه مستلزم انسان است و انسان مستلزم توسعه است چون چنین است اقدام برای توسعه در غیاب انسانهای انسان‌ساز آرمانی‌واهی است و تلاش بیهوده و بی‌ارزش در جهت اتلاف سایر عوامل، منافع بالقوه و بالفعل در دسترس انسان<sup>۲</sup> (شهپازی، ۱۳۷۴).

بر این اساس و با توجه به اینکه ترویج از طریق ایجاد توانائی در افراد، فراگیری، ایجاد تغییر و تحولات مطلوب در پندارها، رفتارها و کردارهای مردم روستائی نقش مهمی را در پرورش انسانها به‌عهده دارد (کرمی و فنائی، ۱۳۷۴). می‌توان گفت رشد و توسعه بدون ترویج امکان‌پذیر نیست و از آنجائیکه مددکاران ترویج پل ارتباطی دوسویه بین متخصصان و آموزشگران با مردم محلی هستند و نقش مهمی را در انتقال توصیه‌های ترویجی به کشاورزان جهت افزایش تولیدات آنها، افزایش درآمد آنها و کاهش فقر آنها دارند. آنها نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستائی به عهده دارند (Hinton, 1994).

بر این اساس لوک و همکارانش نیز معتقد بودند بدون مددکاران ترویج بهترین برنامه و سیاستهای توسعه با شکست مواجه خواهد شد و کارائی لازم را نخواهد داشت (Sorenson and Epps, 1996). همچنین گروه جستجوگر استرالیای جنوبی بیان می‌کنند که مددکاران ترویج بعنوان یکی از اجزای ضروری جهت موفقیت برنامه‌های توسعه می‌باشند (Warner, 2001).

در زمینه اهمیت نقش مددکاران ترویج در رسیدن به توسعه روستائی مطالعات متفاوتی در کشورهای مختلف انجام گرفته است که در زیر به آنها اشاره خواهد شد.

#### کانادا:

پیچیدگی و پویائی دو ویژگی عمده از صنایع کشاورزی در کانادا می‌باشد. کشاورزان کانادائی مقدار زیادی از محصولاتی چون گندم، دانه‌های روغنی، محصولات لبنی، تخم مرغ، مرغ، محصولات گلخانه‌ای (چون سیب زمینی و ذرت) را تولید می‌کنند. ساختار بازاریابی برای خرید و فروش محصولات در کانادا پیچیده است و در آنجا از سیستمهای سهمیه‌ای برای فروش محصولات لبنی و تخم مرغ، سیستمهای قراردادی برای فروش سیب زمینی و سیستمهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برای فروش محصولات دیگر استفاده می‌شود. کشاورزی در کانادا در بخشهای مختلف متفاوت است زیرا بخشهای مختلف از لحاظ سیاستهای اعمال شده، آب و هوا و نوع خاک با یکدیگر تفاوت دارند. در کانادا قسمت عمده‌ای از محصولات کشاورزی در کارگاههایی که نسبتاً کوچک هستند تولید می‌شود و کشاورزی و صنایع با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند.

در کانادا همچنین کشاورزی دستخوش تغییرات زیادی شده است و عده زیادی از کشاورزان به شغلهای کشاورزی که بیشتر جنبه تجاری دارند روی آورده‌اند. در آنجا به دلیل جهانی شدن بازارها و حساسیتها برای حفاظت از محیط زیست کشاورزی دچار پیچیدگی خاصی شده است. در آنجا جهت مقابله با این پیچیدگیها از رهبران کشاورزی که این ویژگیها را درک می‌کنند و مهارتهای خاصی برای سازماندهی و دادن پاسخ مؤثر به این پیچیدگیها از طریق بازاریابی کالاها و خدمات و پیش بردن صنایع به سمت جلو (از طریق تولید محصولات مقاوم و مناسب) دارند استفاده شده است (Martens and Mclean, 2003). در کانادا همچنین تاکنون از رهبران کشاورزی برای تشکیل باشگاه 4H (باشگاه دختران و پسران جوان روستائی)، انجمن گوسفندداران، انجمن مرغداران، انجمن خیاطان و همچنین نهادهای زنان استفاده شده است و بیان شده است که آنها نقش مهمی را در رسیدن به رشد و توسعه روستائی به‌عهده دارند (NS Department of Agricultural and Fisheries, 2001).

#### آسیای جنوبی:

هورن و وارن طبق مطالعه‌ای که انجام دادند بیان می‌کنند در کشورهای آسیای جنوبی (فیلیپین، اندونزی، بالی و ویتنام) بین تولید محصولات دامی و گیاهی رابطه تنگاتنگی وجود دارد آنها معتقدند بازدهی دامها بستگی به نوع علوفه مصرفی توسط آنها دارد. و بیان می‌کنند که گسترش تکنولوژیهای مرتبط با انتخاب گونه‌ای خاص از علوفه باید به صورت مشارکتی (PTD)<sup>۲</sup> و با دخالت کشاورزان انجام گیرد آنها معتقدند بین نظرات کشاورزان و نظرات محققان در مورد انتخاب گونه‌ای خاص از علوفه برای تغذیه دامها تفاوت وجود دارد به طوری که آنها معتقدند در استان تان کوانگ<sup>۳</sup> از کشور ویتنام مناسب بودن علوفه از دیدگاه کشاورزان بستگی به نرم بودن، صاف بودن و رنگ سبز آن در هنگام خشک شدن دارد. اما از دیدگاه متخصصان مناسب بودن علوفه بستگی به بازده و سازگاری بالای آن دارد.

هورن و وارن معتقدند اگر گسترش این تکنولوژیها به صورت مشارکتی انجام گیرد و خود کشاورزان در تولید آن نقش داشته باشند (نسبت به زمانیکه محققان به تنهایی در تولید آن نقش داشته باشند) پذیرش آنها سریعتر انجام می‌گیرد. این افراد معتقدند کاربرد رهیافت گسترش تکنولوژیها به صورت مشارکتی (PTD) به میزان زیادی وابسته به استفاده از مددکاران ترویج می‌باشد. آنها مددکاران ترویج را افرادی می‌دانند که دارای حس همدلی بیشتر برای کار کردن با

**تأیید رهبران در معرفی یک طرح، یا یک برنامه و یا اجرای یک فعالیت اجتماعی به مثابه تغییر رنگ چراغ راهنما از قرمز به سبز است. همانطور که عبور یک راننده از چراغ قرمز خطرناک است. شروع یک اقدام بدون جلب نظر و موافقت و تأیید رهبران محلی روستا نیز نامطلوب و از لحاظ حصول به نتایج مطلوب مخاطره‌انگیز است.**



**مددکاران ترویج مشعل‌دار توسعه کشاورزی و همچنین کلید تحقق اهداف و استراتژیهای توسعه می‌باشند که بدون آنها تلاش در جهت رسیدن به توسعه تلاشی بیهوده، بی‌ارزش و در جهت اتلاف سایر عوامل، منافع بالقوه و بالفعل در دسترس انسانها می‌باشد.**





کشاورزان هستند و تمایل بیشتری برای گذراندن وقتشان با روستائیان دارند. هورن و وارن همچنین معتقدند گسترش تکنولوژیهای مشارکتی مربوط به انتخاب گونه‌های خاص از علوفه نیازمند مددکاران ترویج است زیرا آنها با غلبه بر مشکلات اولیه و پاسخ دادن به سوالات روستائیان و تشویق آنها به پذیرش این تکنولوژیها نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستائی به‌عهده دارند و عدم استفاده از آنها در برنامه‌های توسعه منجر به شکست این برنامه‌ها در آسیای جنوبی می‌شود (Home and Warner, 1998).

**یمن:**

در یمن بسته‌های تکنولوژیکی از جمله پروژه‌هایی در زمینه آبیاری هستند که تاکنون نتوانسته‌اند در اختیار کشاورزان قرار گیرند و فقط تعداد کمی از کشاورزان تاکنون به آنها دسترسی داشته‌اند. بر این اساس، در این کشور و به دلیل نامناسب بودن راهکارهایی که تاکنون ارائه شده است (که از آن جمله می‌توان به بهبود دفاتر کار، خانه، حمل و نقل، آموزش و بکار بردن سرمایه اشاره کرد.) از رهیافت T&V یا آموزش و دیدار استفاده شده است. در این کشور با استفاده از رهیافت T&V و جهت حل مشکلات موجود از مددکاران ترویج جهت کمک به کارشناسان ترویج و جهت از بین بردن فاصله بین روستاها (که بعنوان مانعی در دسترسی کشاورزان به تکنولوژیهای جدید می‌باشند) استفاده شده است. مددکاران ترویج در این کشور و در روستاهای دوردست و با انتخاب خود روستائیان و از درون روستاهای محل اقامتشان انتخاب شده‌اند و آنها از طریق نمایش نوآوریها در روستاهای محل سکونتشان نقش مهمی را در گسترش نوآوریها و تکنولوژیها و همچنین افزایش دسترسی سایر روستائیان به تکنولوژیها از جمله تکنولوژیهای آبیاری بازی کرده‌اند (Agricultural Development, 2003).  
(International Fund for

**پاکستان:**

پاکستان یک فدراسیون متشکل از ۴ استان می‌باشد. در پاکستان استانها مسئول تحقیق و ترویج کشاورزی هستند. در آنجا چندین رهیافت ترویجی برای افزایش استاندارد زندگی مردم از طریق افزایش تولیدات کشاورزی و افزایش درآمد طراحی شده است. در پاکستان در طی ۵ دهه گذشته فعالیتهای گوناگون در ترویج صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به گسترش تعاونیهای روستائی اشاره کرد. این تعاونیها در دهه ۵۰ ایجاد شده‌اند و آنها با کمک به روستائیان زمینه متحد شدن روستائیان با یکدیگر و تشکیل بندی آنها را فراهم کرده‌اند. اعتقاد اولیه این تعاونیها بر پایه آموزش کشاورزان درباره تکنولوژیهای جدید می‌باشد. تا آنها بتوانند از طریق این تعاونیها تولیداتشان را افزایش دهند و به اعتبارات دسترسی پیدا کنند. اما گفته شده است موفقیت این تعاونیها به تنهایی امکان‌پذیر نبوده و گسترش آنها در گرو مددکاران کارا و مؤثر بوده است. به طوریکه تجربه در این کشور نشان داده است که هر جا از مددکاران ترویج استفاده شده است پیشرفت و گسترش این تعاونیها خوب بوده و این تعاونیها توانسته‌اند بعنوان یک منبع خوب و عالی برای تهیه نهاده‌های کشاورزی و انتقال تکنولوژی به کشاورزان خرده‌پا در سطح روستا عمل کنند (Ministry of Agricultural India, 2003).

**گامبیا:**

در گامبیا بخش تحقیق کشاورزی برنامه‌ای را به نام FITT<sup>۵</sup> آغاز کرده است. این برنامه (FITT) به دنبال توانمند کردن کشاورزان از طریق کاربرد تکنولوژیهای جدید می‌باشد. این برنامه (FITT) تاکنون در دو روستا بایرما<sup>۶</sup> و یونا<sup>۷</sup> از کشور گامبیا به مرحله اجرا درآمده است و جهت اجرای آن از گروههای مختلفی از افراد استفاده شده است. که واریته بذرهای جدید، و آموزشهای لازم در مورد استفاده از بذرها و روشهای جدید در اختیار آنها گذاشته شده است. در این برنامه همچنین جهت آشنائی کشاورزان با تکنولوژیهای جدید از مددکاران ترویج استفاده شده است و آنها با شناساندن بذرها و آموزش روشهای جدید به کشاورزان زمینه پذیرش این تکنولوژیها را فراهم آورده‌اند.

در گامبیا همچنین از مددکاران ترویج علاوه بر شناساندن تکنولوژیهای جدید به کشاورزان، از آنها، در برگزاری جلسات PRA جهت ارزشیابی از برنامه‌های FITT استفاده شده است. بدین منظور در این کشور و جهت ارزشیابی از برنامه‌های FITT از دو گروه از زنان و مردان در دو روستا یونا و بایرما استفاده شده است که با گذاشتن جلسات PRA (جلسات ۲ روزه برای زنان و جلسات ۳ روزه برای مردان) نظرات آنها در مورد کارائی برنامه‌های FITT پرسیده شده است. مددکاران ترویج نقششان در این جلسات توصیف برنامه‌ها و طبیعتی از تکنیکهای PRA بوده است. آنها بعنوان گردانندگان این جلسات عمل می‌کردند و به وسیله اجراکنندگان برنامه FITT نظرات می‌شدند. مددکاران در هر جلسه تقریباً ۲ ساعت از وقتشان را صرف بیان تکنیکها می‌کردند. و با زدن مثالها و دادن پاسخ به سوالات مردم، آنها را با روش PRA آشنا می‌کردند و نظرات آنها را در مورد برنامه‌های اجرا شده (FITT) جویا می‌شدند (Therese, 2003).

**نتیجه گیری کلی:**

بنابراین در نهایت و با توجه به بررسی وظائف مددکاران ترویج و با توجه به بررسی اهمیت نقش مددکاران در توسعه روستائی می‌توان گفت مددکاران ترویج مشعل‌دار توسعه کشاورزی و همچنین کلید تحقق اهداف و استراتژیهای توسعه می‌باشند که بدون آنها تلاش در جهت رسیدن به توسعه تلاشی بیهوده، بی‌ارزش و در جهت اتلاف سایر عوامل، منافع بالقوه و بالفعل در دسترس انسانها می‌باشد. بنابراین و بر این اساس به نظر می‌رسد که لازم باشد در هنگام انتخاب، سازماندهی و آموزش آنها نهایت دقت و ظرافت بکار رود.

**فهرست منابع:**

**کشاورزان رابط یا همان مددکاران ترویج می‌توانند در تشکیل گردهمائیها و یافتن مخاطبین آموزشی در برنامه‌های مختلف آموزشی به مروجین کمک کنند و در انتقال توصیه‌های مروجین به بقیه کشاورزان و یا نمایش موارد موردنظر در مزارع خودشان نقش مهمی را دارند.**



**از آنجائیکه مددکاران ترویج پل ارتباطی دوسویه بین متخصصان و آموزشگران با مردم محلی هستند و نقش مهمی را در انتقال توصیه‌های ترویجی به کشاورزان جهت افزایش تولیدات آنها، افزایش درآمد آنها و کاهش فقر آنها دارند. آنها نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستائی به عهده دارند.**



**در پاکستان در طی ۵ دهه گذشته  
فعالیت‌های گوناگون در ترویج  
صورت گرفته است که از آن  
جمله می‌توان به گسترش  
تعاونی‌های روستائی اشاره کرد.  
این تعاونیها در دهه ۵۰ ایجاد  
شده‌اند و آنها با کمک به  
روستائیان زمینه متحد شدن  
روستائیان با یکدیگر و  
تشکل بندی آنها را فراهم  
کرده‌اند.**

۱. بلکیرن، د. (۱۳۸۰). بنیانها و تحول فعالیتها در ترویج کشاورزی، ترجمه: سیدجمال فرج‌اله حسینی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. شهیازی، ا. (۱۳۷۴). توسعه و ترویج روستائی، تهران: دانشگاه تهران.
۳. کرمی، ع و فنائی، ا. (۱۳۷۴). ترویج در نظریه‌های توسعه، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی.
۴. گراول، ای. اس و تامبر، ار. ای. (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج، ترجمه: سیروس سلمان‌زاده. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۵. نژادنیک، ع. امینی، م. (۱۳۷۴). نقش مددکاران ترویج در رشد و توسعه کشاورزی، تهران: انتشارات مدیریت آموزش و ترویج استان تهران.
۶. وزارت کشاورزی. (۱۳۷۹). بررسی نقش و جایگاه مددکاران در برنامه‌های ترویج کشاورزی (گزارش نهائی)، تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

7. Cooperative Extension of Nebraska. (2003). "Roles of specialist/educator/assistant in the 21 century". Available online <http://www.extensionreports.unl.edu/factually-staff/employment.html>.

8. Hinton, K.I. (1994). "Extension roles in developing community volunteer". Journal of Extension, 32 (2), available online <http://www.joe.org/joc/1994/agust>.

9. Horne, P and Warner, S. (1998). "Participatory approaches to agricultural technology development in sloping land", available online <http://www.agent.org/library/cb456.html>.

10. Hughes, E. (1998). "Leadership development program serves as a change agent in community development", Journal of Extension, 36(2), available online [http://www.joe.org/joe/1998\\_april/iw2.html](http://www.joe.org/joe/1998_april/iw2.html).

11. International Fund for Agricultural Development (IFAD). (2003). "Appropriateness of training and visit extension method for rained agriculture", available online <http://www.ifad.org>.

12. Martens, C. and Scott, M. (2003). "Agricultural leadership development: insights and experience from Canada", available online <http://www.ifma.nl/files/presentations/matens.ppt>.

13. Ministry of Agricultural of India. (2003). "Operationalizing agricultural reforms in South Asia? A case study of Pakistan", available online <http://worldbank.org/wbi/sdruralpoverty/ag-extension/materials/plenary/pakistan>.

14. NS Department of Agricultural and Fisheries. (2001). "History of education services branch", available online <http://www.gov.ns.ca/nsaf/elibrary/archive/eshistory/chap5.htm>.

15. Sandmann, L. R and Vandenberg, L. (1995). "A framework for 21st century leadership". Journal of Extension, 33 (6), available online [http://www.Joe.org/1995\\_december/a1.html](http://www.Joe.org/1995_december/a1.html).

16. Sorensen, T. and Epps, R. (1996). "Leadership and local centered Quesland towns", Journal of Rural Studies, 12 (2): 113-125.

17. Theres, S. M. (2003). "Wealth ranking in the Gambia: which households participated in the FITT program", available online <http://www.iied.org/sarl/pla-potes/pla-baciossucs/document/plan-01502.pdf>.

18. Warner, J. (2001). "local leadership, local choice". Available online <http://www.refresh.com/localleadership.html>.

**پی نوشت‌ها:**

- 1- Peter Seneg
- 2- Nebraska
- 3- Participatory Technology Development
- 4- Tuyen Quang
- 5- the Farmer Innovation and Technology Testing.
- 6- Boirma
- 7- Yonna